



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۵/۱۶



دوکتور نوراحمد خالدی

ویروس فساد و شبکه قدرت مافیائی در افغانستان



نقل قول آتی از مهرالدین مشید، برگرفته از جریده انترنتی آریایی، سرآغاز مناسبی برای دانستن ابعاد گسترده فساد در افغانستان میتواند باشد. او نوشته است:

"دشواری های بزرگی مانند فساد بانکی و مالی، حق کشی ها، قانون ستیزی ها، تاراج دارایی های بزرگ مالی، غضب زمین های عامه و دولتی به مثابه انبانی بر گلوی مردم ما سنگینی دارند که هر دولتمردان فاسد و زمامداران معامله گریا چنگ و دندان بیشتر آنها می فشارند و حتا آرمان آه گفتن را هم از مردم ما ربوده اند. مافیای برخاسته از بستر سه دهه حوات خونین کشور اعم از مافیای قاچاق مواد مخدر، مافیای قدرت و سیاست، مافیای فساد اداری، مافیای مالی و اقتصادی، مافیای سازمان یافته تاراج زمین های عامه و دولتی، مافیای بیوروکراسی، مافیای تکنو کراسی و حتا مافیای پست مدرن، مافیای مدرن و مافیای های دیگر چنان دست بر دست مافیای بین المللی مواد مخدر، مافیای اقتصادی و مالی، مافیای فساد اداری بالاخره با مافیای مدرن بین المللی و تمامی مافیای جنگ افروز جهانی دست به دست هم داده اند که تمامی ارزش های بزرگ ملی و تاریخی افغانستان را به قربانی گرفته اند و حتا جهاد گران دیروزی را که خیلی ها مومنانه هست و بود خویش را در پای باور های دینی خویش برای ازادی میهم در کاسه اخلاص گذاشته بودند، چنان در تور خویش افگندند که بزرگترین ارزش های جهاد که فراتر از "دری" و به تعبیری "قند پارسی" است، نه در پای خوکان؛ بلکه مانند خوکان در پای خوکان ریختند. .. نسل کنونی اعم از وارثان جهاد و غیر جهاد همه به نسل مافیا پیوسته یا مافیایی زده شده اند. چنان سایه ثروت های ننگین بر ذهن و روان شان سنگینی دارد و خانه های مجلل سوار بر شاخه خرماي خلیج روح عصیانی آنان را به گروگان گرفته است که تا مرگ از آن رهایی ندارند." (مهرالدین مشید، جریده انترنتی آریایی)

بر اساس گزارش های نهاد های بین المللی، افغانستان پس از حمله نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۱ در فهرست فاسدترین کشورهای جهان از نظر مالی و اداری معرفی شده است. افغانستان طی ۱۸ سال گذشته با سرازیر شدن صدها میلیارد دالر کمک های خارجی و حضور صدها موسسه بین المللی و توصیه های مدیریتی نهاد های خارجی باید به یک کشور مدرن و رو به توسعه مبدل می شد، برعکس با گسترش فساد ناشی از عدم طرح و برنامه های درست و عدم مدیریت مناسب کمکها و عدم موجودیت سیستم های موثر مراقبت و حسابداری مالی به یکی از فسادخیزترین کشورهای جهان مبدل شده است.

مهرالدین مشید در آریایی مینویسد: "بعد از کنفرانس توکیو، لندن، پاریس، کابل، استانبول و ... اضافه تر از ۶۷ میلیارد دالر برای افغانستان وعده داده شد که بیشتر از ۴۵ میلیارد دالر آن به آدرس افغانستان آمده است و اما معلوم نیست که در کجا و چه پروژه هایی بوسیله کی ها به مصرف رسیده اند. ... ۸۰ درصد پول های کمک شده برای مردم افغانستان حیف و میل مافیایی داخلی و بین المللی شده و در پشت این تاراج دلالتان خارجی و غارتگران داخلی را به تماشا میگیری که با نوشیدن خون مردم فرجه تر شده اند. به عکس مردم افغانستان گرسنه تر شدند."

سیگار، یا اداره تفتیش مالی مصارف دولت امریکا در افغانستان در یکی از گزارشهای خود از یک شرکت سوئیسی و یک شرکت راجستر شده در امارات متحده عرب نام میبرد که در سالهای ۲۰۰۱-۲۰۱۴م وزارت دفاع امریکا را در قراردادهای تهیه مواد غذایی و آب برای سربازان امریکائی مستقر در افغانستان دوصد ملیون دالر اضافه چارج کرده بودند. این شرکتها در محکمه به جرم خود اعتراف کرده و به پرداخت حد اکثر جریمه محکوم شدند^۱.

با تأیید موجودیت فساد گسترده مالی و اداری در افغانستان، حامد کرزی رییس جمهور وقت، که در زمان زمامداری سیزده ساله ۲۰۰۱-۲۰۱۴ او افغانستان به خندق فساد مبدل گردید، در یک گردهمایی به مناسبت روز جهانی مبارزه با فساد بتاريخ ۲۲ دسمبر سال ۲۰۱۲ در کابل با تأیید اظهار داشت که "فساد در افغانستان یک حقیقت است، یک حقیقت تلخ است. قسمتی از این فساد که در ادارات ما است، فساد کوچک است - رشوه است و از خود ما است. قسمت دیگر فساد که فساد بزرگ است و به صدها میلیون دالر می‌رسد، از ما نیست که با خروج خارجی‌ها ریشه‌های اصلی فساد خشک خواهد شد (بی بی سی فارسی). به ارتباط فساد اداری و موجودیت و یا عدم موجودیت تفتیش و حسابدهی مالی و اخلاق مسولیت در برابر بودجه دولت و دارائی های عامه، به روشنی موضوعی را بخاطر دارم که در دفتر علی احمد خرم وزیر پلان دولت جمهوری داوود خان واقع شد. سال ۱۹۷۷ بود و در مقام مدیر عمومی پروگرامهای انکشاف دورنمایی در دفتر وزیر پلان با ایشان ملاقات کاری داشتم. دت جریان این ملاقات مدیر عمومی اداری وزارت نیز داخل شد و به وزیر پلان از چگونگی ملاقات خود با عبدل الله وزیر مالیه به ارتباط بودجه سال مالی آینده وزارت پلان گزارش داد. موصوف در ضمن از وزیر پلان خواهش کرد تا تلفونی از وزیر مالیه بخواهد یکی از اقلام شامل بودجه را که وزیر مالیه حذف کرده بود دوباره منظور نماید. این قلم بودجوی خریداری یک عراده موتر تیز رفتار مرسدس بنز برای استفاده مقام وزارت بود که جایگزین موتر موجوده بنز که بعد از شش سال استفاده کهنه شده بود و قرار بود لیلام شود می‌گردید. علی احمد خان خرم بعد از اینکه از مخالفت وزیر مالیه برای خریدای موتر نو مطلع شد به مدیر اداری گفت که موضوع را فراموش کند و از خریداری موتر نو صرف نظر کرده است. علی احمد خرم در مقام یک وزیر بانفوذ دولت که صلاحیت مصرف دالری تمام بودجه انکشافی افغانستان بدست او بود قادر نشد یک موتر کهنه وزارت را فروخته و یک موتر جدید بنز برای مقام وزارت خریدای کند. حالا این را با سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ حکومتهای پسا طالبان با اختیارات و صلاحیتها و اضافه خرجیهای وزرای حکومتهای حامد کرزی و حتی کسانیکه در دولت مقام رسمی نداشتند اما از امتیازات دولت سؤ استفاده می‌کردند، و حتی حالا هم استفاده میکنند مقایسه کنید.

برای مثال، در کتاب سپینا وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی کرزی زیر عنوان "روایتی از درون" آمده است که جنرال دوستم میخواست برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلی پسرش باتور از اکادمی نظامی به ترکیه سفر کند. چون عارش می آمد با طیارات شرکتی هوایی مسافرت کند میخواست یک طیاره خاص کرایه کند. در آن زمان دوستم هیچ کار و وظیفه رسمی در دولت نداشت. کسی برایش پیشنهاد کرد تا به رییس جمهور حامد کرزی زنگ بزند و از او کمک بخواهد. دوستم این کار را میکند و کرزی به او وعده میکند که کمک خواهد کرد. یکساعت بعد از دفتر کرزی به دوستم زنگ زده شد که یک طیاره کام ایر برای او اجاره شده است که او و همراهانش را به ترکیه برده و بعد از ختم مراسم و اقامت دوستم در ترکیه موصوف را دوباره به کابل بیاورد و در عین زمان بیشتر از هشتاد هزار دالر هم مصارف خرج سفر او منظور شده است!

^۱ Supreme Foodservice GmbH, a privately held Swiss company, and Supreme Foodservice FZE, a privately-held United Arab Emirates (UAE) company, pled guilty to a major fraud against the United States and agreed to resolve civil violations of the False Claims Act, in connection with a contract to provide food and water to the U.S. troops serving in Afghanistan. (Corporate Crime Reporter, December ۸th, ۲۰۱۴).

دو مثال بالا نشانه دو طرز حکومتداری با دو موازین اخلاق مالی و اداری و احساس مسولیت در مقابل خزانه دولت را به وضاحت نشان می‌دهند.

مثال سومی از فساد در شورای ملی حکایت میکند که مبین گفته معروف زور بالای زور در شبکه فساد است. عبدالباری جهانی که برای یکی دوسال در کابینه اول اشرف غنی به حیث وزیر اطلاعات و کلتور وظیفه اجرا نمود پرده از رشوه ستانی و کلای ولسی جرگه از کاندید وزرا در مقابل تأیید کاندیداتوری آنها توسط پارلمان پرده بر میدارد. به قرار یک نوشته در روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۲ سرطان ۱۳۹۶ (۲۰۱۷م) زیر عنوان "خاطره‌ی تلخ و فراموش‌ناشدنی عبدالباری جهانی" موصوف نوشته است که:

"اول صبح چهارم اپریل، غلام‌نبی فراهی، وزیر دولت در امور پارلمانی، از طریق تلفن به من گفت که شام با هیچ‌کسی قرار نگذارم، چون جای مهمی می‌رویم. شام همان روز به من گفت که برای صرف نان شب، مهمان حاجی ظاهر قدیر، معاون اول مجلس نمایندگان هستیم. حوالی ساعت هفت شام همان روز، به خانه‌ی حاجی ظاهر در شیرپور رفتیم. در سرک‌ها و خانه آن‌قدر موتر ایستاد بود که پیاده‌روی هم امکان نداشت. در منزل آخر، قبل از ورود به اتاق جلسه، تلفن‌های تمام کاندیدوزیران گرفته شد، سپس به اتاق جلسه رهنمایی شدیم ... دو ساعت ما به‌شمول نان خوردن در این خانه سپری شد. تمامش را حاجی ظاهر سخن گفت. حقیقت این است که من چیزی از تقریباً یک ساعت سخنرانی حاجی ظاهر نفهمیدم تا این‌که او به ما گفت که اعضای کابینه برای به‌دست آوردن رای اعتماد از پارلمان، با مشکل بسیار بزرگی مواجه‌اند. پارلمان به گروه‌های جداگانه تقسیم شده؛ احتمال رد شدن اکثریت کاندیدوزیران وجود دارد و اگر چنین شود، هم به حیثیت رییس‌جمهور صدمه می‌رسد و هم بحرانی به‌میان خواهد آمد که هیچ‌کسی نخواهد فهمید که چه ممکن است اتفاق بیفتد. او گفت که رییس‌جمهور سه‌چهار بار تقاضا کرده است. دست زیر الاشه گرفته و با زاری و عذر برایش گفته است که بچه‌ی ماما! هر قسمی که می‌شود حل‌اش کن! حاجی ظاهر بعد از صرف غذا، هنگام نوشیدن چای با اطمینان گفت که برادران! خواه‌ان! در ولسی جرگه، بدون کار گرفتن از پول نقد، امکان اخذ رای اعتماد وجود ندارد. او گفت که من می‌دانم که تمام کاندیدوزیران آن‌قدر پول ندارند که به وکلا بدهند و رای بیاورند. در همین زمان، رویش را به طرف من چرخاند و با قیافه‌ی حق‌به‌جانب گفت که شما چه فکر می‌کنید؟ من همین‌طور مفت معاون اول مجلس نمایندگان شده‌ام؟ من برای تصاحب این چوکی، سیصدو هفتاد هزار دالر مصرف کرده‌ام. حاجی ظاهر گفت که برای گرفتن رای هر وکیل، از پنج تا ده هزار دالر ضرور است، با این حساب هر کاندیدوزیر باید برای به‌دست آوردن رای اعتماد از پنجاه تا صد هزار دالر مصرف کند. او گفت که من می‌فهمم تمام کاندیدوزیران نمی‌توانند این پول را فراهم کنند؛ ما برای آن‌عده وزیرانی که پول ندارند، همین لحظه یک میلیون دالر در موتر خود آورده‌ایم (خدا کند که کسی نشنود و موترم را دزدی نکند، چون که پول بسیاری است. هر چند که موترم را جای درستی ایستاد کرده‌ام) هر وزیر، هر مبلغ پولی که ضرورت داشته باشد، من برایش می‌دهم. وزیرانی که خود پول دارند، چاره‌ی خود را بکنند."

داکتر طاووس وردگ طی مقاله در جریده انترنتی مشعل مثالی از فساد توسط موسسات معتبر بین المللی در پرداخت کمکهای خارجی به افغانستان ارائه می‌کند. او نوشته است که:

"بطور مثال سرک حلقه وی کابل به سرمایه ۲ میلیارد دالر باید ساخته شود و (یو اس آی دی) شخص را برنده اعلان می‌کند که مبلغ ۵۰۰ میلیون دالر را فوراً به حساب بانکی مخصوص در دوی ویا در غرب تحویل نماید و متباقی پول به اقساط به شرکت قراردادی می‌دهد و درین جا قراردادی برای اینکه لا اقل ۵ میلیون عاید خالص داشته باشد باید اول کارگران ارزان را باید استخدام نمایند و بعداً مواد بی کیفیت را در اعمار این پروژه به مصرف برسانند و به این شکل که قراردادنامه بود از آن نیز یک اندازه کمتر مواد و مساله باب استعمال می‌نمایند که این پروژه بعد از یک سال از بین می‌رود، چرا این کار می‌شود و چرا جلو این نوع فساد را کسی گرفته نمی‌تواند اول به خاطر اینکه در دولت کسانی نیست که چنین جرات داشته باشد که علیه امریکا ویا غرب اقدام نمایند ویا با آنها استدلال نمایند دوم آنهاییکه تمویل کننده است به کسی حق نمی‌دهند که در امورات وپلان گذاری

شان مداخله نمایندسوم موسسه ویا اداره نورم وستندرد در کشور وجود نه دارد که از پروژه های که غرب خودشان می سازد واری و تفتیش نمایند. " (جریده مشعل)

طوریکه قبلا نوشتیم براساس گزارش سازمان شفافیت بین الملل، افغانستان در سال ۱۳۹۶ در فهرست فاسدترین کشورهای جهان شناخته شد بطوریکه در بین ۱۸۷ کشور جهان در رتبه ۱۸۴ قرار گرفت که به این ترتیب جایگاه سومین کشور فاسد جهان را به خود اختصاص داد.

آمریکا مدعی است که بیش از یک تریلیون دالر در این کشور مصرف کرده است اما فساد اداری و مالی باعث شده که از این کمک ها استفاده نادرست صورت گرفته و پیشرفت ها در این کشور قابل ملاحظه نباشد. اما حقیقت آن است که آمریکایی ها با نحوه مصرف و کمک های خود در ترویج فساد در افغانستان نقش داشته اند .

متاسفانه آنچه گزارشهای بین المللی نمی نویسند عبارت از موجودیت شبکه و سیستم اجرائی فاسد برای تطبیق کمکهای خارجی مخصوص کمکهای امریکا میباشد. بیش از ۲۰ فیصد این کمکها از خود امریکا خارج نمیشوند و این پولهایی است که به حساب کمک به افغانستان از بودجه های پروژه های منظور شده به شرکتهای امریکایی به عنوان مصارف حقوقی، مصارف مشاورتی و مصارف نظارتی و اجرای پروژه ها پرداخته میشود. کشورهای کمک کننده بخش اعظم کمکهای خود را به افغانستان از طریق موسسات دولتی و خصوصی خود مستقیما به شرکتهای قراردادی افغانی که خود انتخاب میکنند و موسسات ان جی او (NGO) که باز هم خود انتخاب میکنند میپردازد نه از طریق دولت افغانستان و مسولیت تفتیش و حساب دهی هم بدوش خود این موسسات خارجی است.

تا سال ۱۹۹۲م که مجاهدین به قدرت رسیدند کمکهای خارجی به افغانستان به حساب هر پروژه به د افغانستان بانک انتقال می یافت و یا از بانک کشور کمک دهنده به قراردادی خارجی با تصدیق وزارت پلان پرداخته میشد. در داخل مصارف از این پولها که برای خریداری ماشین آلات از خارج و یا پرداخت مصارف پرسونل خارجی و یا خدمات پروژه سازی و تطبیق پروژه ها به شرکتهای خارجی بود در مقابل اسناد حساسی و اسناد گمرکی از بودجه انکشافی دالری دولت با تصدیق وزارت پلان صورت میگرفت طوریکه هر دالر مصرف شده قابل تفتیش و حسابدهی بود و از این کمکها به هیچصورت سؤ استفاده شخصی شده نمیتوانست. در معاهده بن ماده گنجائیده شد که به موجب آن اقتصاد افغانستان را "اقتصاد بازار آزاد رقابتی" توصیف کردند و زیر این عنوان کوشیده شد تا نقش دولت افغانستان را در تطبیق کمکهای خارجی به حد اقل آن پایان بیاورند. مادر مشکلات حساب دهی مصارف کمکهای خارجی در افغانستان در همین موضوع نهفته است.

آقای کرزی عامل افزایش فساد در دولتش را قراردادهای میلیارد دالری خارجی ها خواند که به باور او، نهادهای بین المللی بدون مشورت با حکومت افغانستان با شرکت های مختلف عقد کرده اند.

آقای کرزی گفت که فساد توسط نیروهای خارجی با "تبلیغات گسترده" علیه حکومت او براه انداخته شده است. او افزود که اگر این کار از سر "اشتباه" باشد، افغانها آن را می بخشند، اما اگر به هدف تضعیف حاکمیت و استقلال حکومت افغانستان به راه انداخته شده باشد "در آن صورت مقابله می کنیم، مبارزه می کنیم و حق داریم که این کار را بکنیم و رسوا می کنیم".

به باور حامد کرزی، با خروج نیروهای بین المللی از افغانستان ریشه های "فساد بزرگ" خشک خواهد شد و حکومتی که پس از ۲۰۱۴ در افغانستان روی کار خواهد آمد با فساد مبارزه خواهد کرد. رئیس جمهوری افغانستان گزارش اخیر سازمان بین المللی شفافیت را که افغانستان را در شمار فاسدترین کشورهای جهان قرار داده، مورد شک و تردید قرار داد و آن را ناشی از اهداف سیاسی دانست. (بی بی سی فآسی).

با این حال، عزیزالله لودین رئیس اداره مبارزه با فساد اداری افغانستان گفت که به پرونده های فساد در نهادهای دولتی رسیدگی نمی شود و در یک سال گذشته هیچ یک از متهمان این پرونده ها در دادگاه محاکمه نشده است.

آقای لودین پرسید که چرا حتی به دوسیه های عادی فساد اداری هم رسیدگی نشده و نتایج آن به مردم گفته نشده است. به نظر او، پاسخ این پرسش در مسائلی نهفته است که به گفته او، از "چالش‌های اساسی" مبارزه با فساد شمرده می‌شود. رئیس اداره مبارزه با فساد این چالش‌ها را چنین برشمرد: "اولاً سیستم مبارزه با فساد اداری کارآمد نیست. ثانیاً وجود ادارات موازی با دستگاه مبارزه با فساد اداری، عدم اجرای یکسان قانون در مورد همه، ضعف اراده سیاسی برای پیگرد و به محاکمه کشاندن عاملان جرایم بزرگ، عدم کفایت حقوق کارمندان دولت".

به قول مهرالدین مشید یکی از نویسندگان افغان:

"فساد اداری در کشور به هیولای قدرتمند و غیر قابل کنترل مبدل شده است که نگرانی های جدی و شدید برانگیخته است. وی افزوده است که فساد به صورت مافیایی در رگه های حکومت خانه کرده است و در پیوند با شبکه های اطلاعاتی و مافیای مواد مخدر، غارت زمین های شخصی و دولتی و تمامی تبهکاران به اژدهای هزار سر و هزار پای در کشور بدل شده است. فساد اداری در افغانستان علل آشکار سیاسی دارد که رفع آن نیز با شیوه های اداری ناممکن بوده و تنها با تحولات سیاسی میسر است. مبارزه با عوامل فساد اداری عزم و اراده جدی و برنامه عملی می خواهد که شواهدی از این عزم و اراده در دولت افغانستان کنونی دیده نمی شود. چون با گذشت دوازده سال از حکومت کنونی هنوز هم تشکیل و ساختار ادارات دولتی ترکیب های قومی و منطوقی رنگ و بوی تبعیض و تعصب را به خود دارد. تمرکز گرایی بیش از حد حکومت و ضعف ها و کاستی هایی که در سیستم اداری کشور وجود دارد زمینه را برای فساد اداری فراهم می کند." (آریایی)

در حکومت ها در بسا از موارد مقرری های پست های مهم و کلیدی از دوستان و اقارب و وابستگان نزدیک آمرین اعطا در ادارات دولتی میباید مخصوصاً پست هاخریداری میشود و پست های پر منفعت به لیلام گذاشته شده و مزایده کنندگان داوطلب، برنده میگردند. میزان فقر، فساد در ادارات و موجودیت قراردادی ها سیاسی، نظامی، بیکاری، معاش کم مأمورین دولتی، سیاست غلط کادری متکی به روابط جیبی، فامیلی و استخباراتی عوامل است که در فساد اداری جدا تأثیر گذارند. اما عدم موجودیت اراده سیاسی برای تطبیق قانون، خفه کردن هر صدای عدم تطبیق قانون، به قدرت رسیدن افراد و اشخاص که خود از قانون تخلف کردند عوامل است که مانع از بین بردن فساد اداری، ظلم و بی عدالتی و حیف و میل کمک های خارجی و دهها معضله دیگر در کشور گشته و وضع را روز به روز به بحران میکشاند. با این روش در داخل یک اداره روحیه مسئولیت و اجراءات سالم بر هم خورده، نفاق، شقاق و بدبینی ها را بین مردم کشور به وجود می آورد و از اینجاست که اعتماد مردم به موسسات و ادارات دولتی از بین میرود.

دفتر UNODC سازمان ملل متحد در افغانستان اعلام داشت، که فساد اداری به ۳٫۹ میلیارد دالر امریکایی افزایش یافته و ۴۰ درصد افزایش بین سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ رونما گردیده است در ضمن سازمان دیده بان شفافیت افغانستان، گفته است که اقتصاد افغانستان در تصرف تیم حاکم و شماری از وزیران کابینه، نمایندگان شورای ملی، والی ها، فرماندهان پولیس و معاونان وزیران، است که سیستم اقتصادی را در این کشور قبضه کرده اند و این افراد قراردادهای بزرگ ساختمانی، واردات مواد نفتی و مواد غذایی را در انحصار خود گرفته اند. فساد اداری ریشه در عمیق ترین لایه های قدرت دولتی در افغانستان دارد و عوامل اساسی و عمده آن کسانی اند که موفقیت و پیشرفت هرگونه مبارزه ای مشروط به همکاری آنان است. در ضمن مسئولان شبکه نظارت بر منابع طبیعی نیز مدعی شدند که بیش از ۱۴۰۰ شرکت که فهرست آنها از سوی وزارت معادن منتشر شده و بیشتر این شرکت ها متعلق به زورمندان، فرماندهان محلی و اعضای پارلمان هستند و در برخی مناطق مخالفان حکومت هم از پول آن استفاده می کنند. زورمندان در قسمت تعیین قیمت امتعه، بخصوص قیمت مواد نفتی در بازار نقش اساسی را دارند با دخالت در قیمت اجناس سالانه میلیاردها دالر از این طریق به مردم ضرر می رساند. افراد زورمند برای دستیابی به ثروت به فعالیت های متنوع قانونی و غیر قانونی و به تجارتهای متنوع رو آورده اند. این افراد باعث محدودیت رقابت در بازار شده و زورمندان تعیین کنندگان قیمت های امتعه عمده هستند.

محمد عوض نبی زاده در جریده انترنتی مشعل مینگارد:

"در صورت عزم، داشتن قاطعیت و جسارت لازم سیاسی و حاکمیت قانون بخاطر برطرف کردن فساد اداری با یک نیک نگری و نیک اندیشی راه های عملی برای نایل شدن به آن وجود دارد. برحاکمیت است تا سطح صلاحیت، اتوریته، ظرفیت ها و امکانات ارگانهای عدلی و قضایی کشور را بلند برده و حین تطبیق عدالت با قاطعیت تام برای تأمین عدالت عمل و کار عملی انجام دهد. مسلماً منظور از به تندور انداختن، سربریدن و هر گونه افراط و تفریط در برابر عمل کرد متخلف نیست. بلکه تطبیق قانون به صورت پیگیر و با حوصله مندی است. مبارزه با فساد، جرایم، مواد مخدر و دیگر پدیده های منفی اجتماعی با اجرای دو اسلوب عمده اقتصادی و اداری ممکن است. ریشه کن ساختن فساد اداری با کاربرد اقتصادی در صورتی برآورده می شود که کارمندان دارای بیمه های اجتماعی، انواع تضمین های اجتماعی، تقاعد، حق تشکیل اتحادیه های مسلکی و دفاع از حقوق آنها در مقابل دسپایس عاملین جرایم سازمان یافته و تضمین های مادی و اجتماعی برای خانواده های کارمندان در حیات و بعد از مرگ قابل اجرا باشد. موثر ترین شیوه در مبارزه با فساد اداری شیوه های اقتصادی است. شیوه دیگر مبارزه با فساد اداری شکل اداری یا اجباری است که با بکاربرد جبر و قیودات قابل تطبیق است. استفاده از اجبار مانند نفتیش، تهدید، استخبارات و تبدیلی موثریت کمتر از اسالیب اقتصادی را دارد. استفاده از هر دو شیوه با یک موازنه درست و معقول موثریت کار را دو چندان می سازد و بکاربرد شیوه اجباری بدون اقتصادی تأثیرات منفی خواهد داشت. درضمن مبارزه با فساد و جرایم در افغانستان به اصلاحات سیاسی و اداری ضرورت دارد."

موصوف در ادامه مینگارد که:

"مبارزه علیه فساد اداری به فرمان نمیشود که برای انجام این امر و هر امر دیگر نیت و اراده نیک ضرورت است با ایجاد سیستم بهتر و تنظیم قوانین جدید مدرن و عامل انسانی، سیاست کادری، نیز در هر نظام مهم و کلیدی است. معافیت، تروریسم، آدم کشان، قاچاقبران، دزدان، انتحار کنندگان، مفسدین اداری، تولید کنندگان مواد مخدر، قانون گریزان عدم اراده نیرومند سیاسی در امر مبارزه علیه فساد اداری در کشور ونهادینه شدن فرهنگ معافیت برای مجرمان که دارای پشتیبانی های سیاسی اند و محاکمه نشدن آنها، از دیگر مشکلات جدی بر سر راه مبارزه علیه فساد اداری می باشند. باید عوامل کلیه بحران های داخلی و به خصوص عاملین فساد اداری با زیر بنای آگاهی دینی، دانش، منطق و عقلانیت به طور اساسی شناخته شوند و بعد توسط یک حاکمیت شایسته سالار، مدیریت و با حمایت مردمی در برابر همه نابسامانی ها و بحران های موجود مبارزه منظم و طولانی مدت صورت گیرند؛ تا ریشه های آنها خشکانیده شوند."

گزارشها و مقالات زیاد در مورد موجودیت فساد اداری و مالی در افغانستان موجود اند از جمله الی سال ۲۰۱۴ گزارشها و مقالات زیرین قابل یادآور میباشند: گزارش و اشننگن پُست - مامورین حکومت کرسی بکرات تحقیقات فساد اداری را منحرف ساخته اند. گزارش سازمان دیدبان شفافیت افغانستان، در باره نقش زورمندان در رشد فساد اداری. صحبت محترم دوکتور عزیزالله لودین رئیس عمومی اداره عالی مبارزه علیه فساد اداری. مقاله در مورد رشد فساد اداری نشر شده در روزنامه افغانستان نویسنده: داکتر حسین علی یاسا. مقاله درباره ستراتیژی و طرز العمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری» نویسنده : غلام سخی/رزگانی. مقاله درباره مبارزه علیه فساد اداری نویسنده: پروفیسور دکتور حسین علی راموزی/علی/ کابل ۱۳۸۸.

مقاله در مورد عوامل فساد اداری در افغانستان نویسنده: محمد رضا هویدا.

انواع فساد اداری از نظر داکتر طاووس وردگ عبارت اند از:

"فساد تصادفی است - فساد تنظیم شده است - فساد کلان است - فساد خورد است - اختلاس است - سرقت است - از بین بردن اوراق و اسناد است - تجاوز از حدود و صلاحیت های قانون است - استفاده از موقف و مقام است - دوری از وظیفه دولتی به خاطر انجام کارهای شخصی است - کتمان حقایق است - جعل اسناد است - اخذ تحایف به خاطر اجرای کارهای مردم - رشوت است - تعلل بی مورد در اجرای دوسیه های بندیهها و مردم - رویه غیر انسانی و نادرست با مراجعین و عارضین - واسطه شدن

به مقامهای بلند پایه به خاطر کارهای مردم در بدل پول که این کار را اعضای پارلمان کشور زیاد مروج ساخته است - دخیل ساختن ملاحظات قومی، زبانی، سمتی، جنسی مخصوصا واسطه شدن دختران و زنان مقبول به خاطر انجام کارها". (مشعل) داکتر طاووس وردگ در جریده انترنتی مشعل نوشته است که:

"در افغانستان فساد اداری از طرف (حامد کرزی و برادرانش در قدم اول و بعدا از طرف معاونین کرزی و ثالثا از طرف وزرای کابینه کرزی و مشاورین وی هم چنان والی ها و ولسوالها تا امروز به حیث یگانه منبع و سلاح بران علیه مردم عام افغانستان) استعمال و استفاده می نمایند. ... این فاسد شدن تمام بدنه کشور از شرق تا غرب از شمال تا جنوب را دربرگرفته موسسه (یو ایس ای ډی) امریکا در مقام اول و بعدا انجیو ها و سفارت های مختلف غربی که تمویل کننده پروژه های مختلف در افغانستان می باشند برای خود شان سرمایه اندوزی می نمایند و از هر قرارداد نصف پول سرمایه گذاری شده خود شان به حساب خودشان و یا حساب بانکی کشورهای شان دو باره ری اکسپورت می نمایند و بعدا قراردادیان افغانی از یک دست به دست دوم فروخته و مفاد هنگفت را به دست می آورند و همین علت است که همیشه کیفیت کار بسیار پایین می باشد... ادارات دولتی و وزرا نیز قبلا حق خود را اخذ نموده و دهان شان قلف و خاموش است به مختصر باید اذعان کرد که تمام ادارات دولتی و بعدا تمام موسسات خارجی و غربی ها در (کرپشن) یعنی فساد اداری دست باز دارند و دخیل می باشند و از داخلی کرده خارجی ها زیاد متهم می باشند و در قدم دوم و سوم موسسات و شرکت های ساختمانی و اکمال کننده در ان دست دارند."

به این ارتباط مهردادین مشید در مقاله خود در سایت "آریایی" زیر عنوان "قصرهای مافیایی از شیرپورتا جمیرا نمادی از فساد و اشنگتن در کابل" مینویسد:

"نظام ... افغانستان، سیستم مافیایی در حوزه های گوناگون اقتصادی، مالی، سیاسی و اجتماعی را در این کشور بوجود آورده است که اقتصاد مافیایی و مناسبات مالی مافیایی استوار بر ساختار قدرتمند سیاسی در این کشور نمونه های بارز آن است. این مافیا چنان نیرومند شده، بی باکانه قدر است کرده است و درحال توسعه است ... که روزنامه واشنگتن پست امریکایی در این اواخر اندکی از چون و چندان پرده برداشته است. سر این نظام مافیایی در امریکا، بدنه اش در بستر اوقیانوس های جهان، دست هایش در اروپا و تنها پا هایی آن نیم بند و لرزان در افغانستان شناور است." (آریایی) او ادامه میدهد که:

"شگفت آور اینکه هیکل این مافیا از شهرک زیبا و جزیره نخل مانند "جمیرا"^۲ بالاخره بوسیله "اندرو وگنز" روزنامه نگار واشنگتن پست آشکار گردید و این روزنامه نگار با کار تحقیقاتی و خستگی ناپذیر پرده بی از صد ها پرده مافیایی که به گونه تار عنکبوت و بدتر از کابوس بر روان مردم افغانستان سایه افکنده است، بیرون بدر آورد. ... یا بنا بر دلایلی که شاید عدم دستیابی او به اسناد دیگر باشد، نتوانسته است تا از عهده وصل کردن این مثلث با مافیای اصلی مواد مخدر، مافیای قدرت و سایر شرکای مافیایی بیرون بدر شود. او ناگزیر شده تا با اکتفا کردن به این سه نمونه (سمپل)، اشاره بی به نمونه های فساد "مشت نمونه خروار" آنان در شهرک های نخلی جمیرا نماید... اینکه این آقایان با شرکای مافیای قدرت در کابل به شمول تکنوکرات ها این مافیای بوروکراسی اعم از وزرا، معینان، والیان، شماری نماینده گان ولسی جرگه و مشرانو جرگه و یک رتبه بالاتر ها و یک رتبه پایینتر های دیگر چه "آرگاه (آرامگاه) و بارگاه" های افسانه بی دیگری در سایر جزیره ها و سایر شهر های امارات، دوبی، لندن، دهلی و جاهای دیگر دارند تا باشد که این تاراجگری ها نمونه آشکاری از یغماگری های دیگر در شاخه های زیبای نخلی خلیج در سیمای وبلا های ننگین آنان باشد و شمار شان از حساب انگشتان بالا و بالا تر برود. باز هم روزنامه نگار امریکایی با وجود دشواری هایی که برای دستیابی اسناد موثق فراهمش قرار داشت. کاربزرگی انجام داده

^۲ یکی از سه جزیره مشهور پالم جمیرا، دیرا و جبل علی در آب های خلیج فارس ساحل دوبی است.

و دست به افشاگری بی نظیری زده است. او که در این گزارش از مناسبات کابل بانک با مقامات ارشد دولتی زیر نام "علایم نظام کاپیتالیزم استوار بر روابط صمیمانه" یاد آور شده که رابطه محکمی را میان دولت و سکتور خصوصی برقرار گردانیده و مشکل گشایی میکند سخن گفته است و در این گزارش آمده است: محمود کرزی برادر رییس جمهور و احمد ضیا مسعود در گذشته معاون اول رییس جمهور خانه هایی به ارزش ملیون ها دالر در دویی دارند که به نام خود شان ثبت نه؛ بلکه به نام شیرخان فرنود موسس مالک کابل بانک ثبت شده اند که او قرضه های چندین ملیون دالری را به خانواده های حامد کرزی، اعضای حکومت و هوادارانش داده است تا در دویی برای خویش خانه های مجلل بخرند. او در پاسخ این سوال که چرا پول های گزافی را در اختیار این ها قرار داده است؟ اینها نمی خواهند به نام خود در دویی خانه بخرند؛ اما محمود کرزی که هوتلی در شهر بلتیمور امریکا دارد، این حرف ها را تکذیب کرده و با روزنامه نگار گفته بود که این خانه ۵ میلیونی و ۵۰۰ هزار دالری را به کرایه گرفته است و با کابل بانک یک قرار داد رهنی غیر رسمی دارد که ماهانه ۷۰۰۰ دالر بطور سود به این بانک می پردازد؛ ... او در پاسخ این سوال که ملیون دالر از کابل بانک قرضدار است، گفت: یک ملیون دالر در کابل بانک سهامدار هستم و قسمت دیگرش قرض کابل بانک است.

این روزنامه همچنین از خانه بی به قیمت ۲ ملیون دالر در پام جومیر متعلق به احمد ضیا مسعود سخن گفته است که به نام شیرخان فرنود ثبت شده است. این خانه در سال ۲۰۰۷ به ارزش ۲ ملیون ۳۰۰ هزار دالر خریداری شده بود که ابتدا این خانه مجلل به نام همسر او ثبت شده بود و بعد آنرا به نام شیرخان فرنود مالک کابل بانک ثبت کرده است. احمد ضیا مسعود در پاسخ به خبرنگار گفته است که فرنود دوست او است و با او فوتبال و شطرنج بازی میکرده است.

در این گزارش از حسین فهیم برادر مارشال فهیم نیز ذکر شده است که به واشنگتن پست گفته است: دو شرکتش از کابل بانک ۷۰ ملیون دالر قرض دریافت کرده اند؛ اما اینکه آیا دادن این گونه قرضه ها به مقامات فعلی و قبلی به چه حدی می تواند مایه نگرانی باشند. این ها در برخی کشور ها می توانند مایه نگرانی باشند. بویژه آن گونه پول هایی که مخفی نگهداری می شوند، به این دلالت میکند که با استفاده از نفوذ شان در بدل گرفتن قرضه به شکلی از اشکال به بانک کمک بکنند؛ اما در کشوری مانند افغانستان که در فساد در سطح جهان مقام دوم را کمابی کرده و شاه، دربان، حاجب و پرده دارش دزد و قاضی اش مرتشی است، شاید کمتر و حتا هیچ مایه نگرانی باشد. بویژه زمانیکه دستان این ها از پشت با دستان خارجی ها زنجیر شده باشد... اما حسین فهیم گوید: گرفتن قرضه های داخلی اجتناب ناپذیر و حتا مطلوب است. البته به باور او در عدم موجودیت یک نظام حقوقی نیرومند و یک پارچه بیشتر داد و ستد ها روی اعتماد طرفین استوار است تا اسناد رسمی. او میگوید: افغانستان امریکانیست، افغانستان از صفر شروع میکند.

یاران و فرماندهان مسعود حتی در زمان حیاتش ... به تاراج زمین های دولتی پرداخته و به پارک ها و ساحات سبز دولتی یورش بردند و همه را بعد از اشغال بفروش رساندند و خانه های مجللی هم برای خود در آنها اعمار کردند و این روند نامیمون بعد از سقوط طالبان به شیوه هنجاز شکنانه تر از گذشته سرعت یافت و زمین های دولتی در دامنه های کابل از سوی قوماندان های شورای نظار و جمعیت اسلامی اشغال و به فروش رسانده شدند.

محمود کرزی هم به گونه حسین فهیم نگرانی بپرا در این باره احساس نمیکند و در گفت و گو با رادیو آزادی نه تنها از خود برای دفاع ضعیف پرداخت، یک گام بیشتر نهاد و از برادر فهیم شریک قدرت برادر خود نیز دفاع کرد.

اما فرنود که با رادیو آزادی حاضر نشد، سخنی بگوید اما با روزنامه واشنگتن پست گفته بود: افغانستان نباید به اساس معیار های خارجی مورد قضاوت قرار بگیرد، آنچه که من میکنم نادرست است و در واقع نباید بکنم اما این جا افغانستان است. آری آقای فرنود راست گفته است که اینجا افغانستان است آنهم افغانستان بیمار، جنگ زده و فاقد اداره نیرومند و مدیر توانا که فساد در دم و دستگاه آن مانند شعله های آتش زبانه میکشد و هر آن فریاد مظلومی در گلو اش شکسته می شود. پس در چنین کشوری که هر ناروایی در آن مجاز و هر ستمی در آن توجیه شرعی میگردد. آقای فرنود حق بحانب است که با جرئت عام و تام می

تواند ملیون ها دالر غارت شده را بدون حساب و کتاب از افغانستان خارج کند؛ زیرا او هراسی از قانون و بازپرس ندارد، در یک کنارش برادر کرزی، درکنار دیگرش برادر مارشال و در عقب او هم احمدضیا مسعود، برادر شهید مسعود قرار دارند. چنین آدمی که از حمایت همچو اشخاص برخوردار است، هر نوع قانون شکنی را برای خود نه تنها حق میدانند؛ بلکه می تواند که زبان بازپرس را از کلامش در آورد.

در چنین کشوری پیدا کردن سر نخ پول های غارت شده کار ساده یی نیست. گیریم به قول رییس بانک، واشنگتن پست شایعه بیرون در مورد معاملات ملکیت ها انعکاس داده یا در حقیقت دلیل موجهی را در مورد نگران بودن از "علایم نظام کابینتالیزم بر پایه روابط صمیمانه" برملا ساخته است؛ اما یک چیز را در گزارش تحقیقی خود به اثبات رسانده است که کابل بانک ۱۵۰ ملیون دالر رادر دویی سرمایه گذاری نموده است. اینکه این پول ها را در بستر داد و ستد های ننگین و شرمبار جانانه از پیش چشمان این آقایان عبور داده و به آنجا برده یا آنها را فریب داده و موفقانه تیر را به هدف زده است. در هر دو حالت این آقایان نمی توانند با این گفته های خویش رفع مسؤلیت نمایند. چنانکه چندی پیش رسانه ها گزارش دادند که طی سه ماه ۱۸۰ ملیون دالر از افغانستان بیرون شده است و این پول از پیش چشمان مسؤلان میدان هوایی و وزارت مالیه به دویی انتقال داده شده است.

از این پیشتر هم سلطان بچه های جهادی، شاه طلبان، دموکرات ها، تکنوکرات و بیورو کراتها در زیر ریش قدرت جناب کرزی به غضب زمین های دولتی پرداخته و بدون در نظر داشت مقررات شهرداری و شهرسازی به بهای آواری گردانیدن شماری محروم ترین مردم این شهر، قلعه تاریخی شیرپور را تخریب و از پول حرام بدست آمده از معامله با اشغالگران، قاچاق هیرویین، فروش سلاح و رشوت روی آن بنا های مجلی اعمار کردند. از همین رو روزنامه نیویارک تایمز در گزارش از زبان مردم نوشته است که مردم این خانه ها را "خانه های مواد مخدر" میگویند. بی سبب نبوده است که اشرف غنی احمدزی در سال ۲۰۰۴ گفت: از حکومت کناررفت که دولت در دست تاجران موادمخدر افتاده بود.

این مافیای ها به گونه آمیب پا های کاذب دارند در زمان مناسب برای اخذ طعمه یی به هر سو دست و پا میکشند و از این هم خطرناک تر چون عنکبوت به دور انسان مظلوم تار می تنند و تا زمانی که آخرین قطره های خون او را نه مکند، رهاش نمی سازند... این عنکبوت های موزی چنان خود را به بدنه قدرت می چسبانند که حتا برای نصب فاسد ترین افراد مهارت عجیبی از خود نشان داده و با تار های خویش مهره های مورد نظر خود را در بدنه قدرت می چسبانند. گاهی چنان شریک بلا منازعه قدرت می شوند و سکان قدرت را بدست میگیرند که هر کاری دل شان بخواهد، انجام میدهند. وزرای بی سوادى را به اریکه قدرت می نشانند و با عقد قرار داد های دولتی از آنها بهره اقتصادی میگیرند یا شهر داری را به شکل فرمایشی تعیین و با استفاده سو از قدرت او حتا آبروی او را به بازی میگیرند. ورنه چه کسی باور کرده می تواند که شهر دار شهر ویرانی زیر ریش حاکمیت کابل در هفته چند بار به دویی میرود و دوباره بر سر کارش به کابل باز گردد. این بیچاره که در اصل طعمه چربی برای مافیای قدرت و مواد مخدر بود، بزودی در دام افتاد و به جرم سو استفاده از قدرت دولتی به چهار سال زندان تنفیذی محکوم گردید؛ اما او بعد از مداخله کرزی در امور قضا و به مسخره گرفتن فیصله محکمه ابتدائیه کشور، از حبس رها شد. معلوم می شود که از قبل معامله یی در کار بوده است چگونه می توان باور کرد که شهر داری با این همه وظیفه شناسی باز هم بر سکوی قدرت برای مدتی باقی بماند. آشکار است که زیر کاسه نیم کاسه یی وجود داشت وبعید نیست که نیم کاسه آن در جزایر نخلی خلیج در میان کاخ های افتاده بر شاخه خرما موجود بوده باشد. با افشای این رسوایی سر نخ شماری معما ها گشوده شده و از این به بعد هم گشوده خواهد شد (مهرالدین مشید، جریده انترنتی آریایی^۳).

^۳ مهرالدین مشید گرفته شده از سایت "آریایی" زیر عنوان "قصرهای مافیایی از شیرپورتا جمیرا نمادی از فساد واشنگتن در کابل".

نقل قول های انتخابی و خلاصه شده بالا از مضمون مهرالدین مشیط افشاگر موجودیت روابط گسترده فساد مافیایی در دولت افغانستان بوده و در حقیقت دلایل اساسی نه پذیرفتن پیهم نتایج سه انتخابات و هیاهو و جار و جنجالهای بیشرمانه برای باقیماندن در قدرت دولتی توسط یک گروه مشخص ملیونرهای جهادی را بخوبی بیان میدارد. شگفت آور آن است که این همه فساد و تاراج در پیش چشمان امریکاییها و با تایید آنها صورت گرفته است ورنه چگونه امریکاییها بعد از سه انتخابات پیهم ریاست جمهوری از تجرید این ملیونرهای مافیایی از قدرت دولتی جلوگیری کرده و به ادامه شمولیت آنها در قدرت دولتی تاکید نمودند. بیجهت نیست که واشنگتن پوست در یک مقاله به قلم کریگ ویتلاک بتاریخ نهم دسمبر ۲۰۱۹م نوشت^۴: "دولت امریکا در مقابله با این واقعیت که مسولیت تشویق فساد را در افغانستان بدوش میکشد ناکام ماند".

(پایان)

**** * * * * *

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



^۴ About halfway into the ۱۸-year war, Afghans stopped hiding how corrupt their country had become. Dark money sloshed all around. Afghanistan's largest bank liquefied into a cesspool of fraud. Travelers lugged suitcases loaded with \$۱ million, or more, on flights leaving Kabul. By Craig Whitlock Dec. ۹, ۲۰۱۹.